

" اجماع ملی " یا « ما فیائی ملی ؟ » آیا میتوان گره را با گره باز کرد ؟

قسمت چهارم :



نوشته ای از محمد امین فروتن

وقتی این جنش نوشته ام را می نویسم هنوز هم از پنجره های اتاق کارم هوای معطر نوروزی که قرنهای دراز است بر همه جشن های جهان فخر فروشی میکند و به همه ما خاطره ء خویشاوندی انسان با طبیعت را باز گو میکند میوزد لهذا این جشن طبیعت را به همه انسان های آزاده که در اوج پیچیده گی های تمدن مصنوعی معاصر نیاز به بازگشت و بازشناخت طبیعت و کائینات را حیاتی ترمیبینند و احساس میکنند ، یکبار دیگر مبارکباد میگوئیم .

در قسمت های قبلی عوامل و زمینه های وضعیت آشفته ء کنونی در افغانستان بویژه نقش و حضور مستقیم سهامداران شرکت ها و کارتل های نفتی بین المللی و برخی از رجال برجسته اقتصاد بازار آزاد آنهم به شیوه و روش کاملاً مافیائی در پروژه انهدام ملتهای باستانی شرق منجمله افغانستان را در حوزه مسأله حقوق زنان و ارتباط آن با قانون اساسی جدید افغانستان و « طرح اجماع ملی » به بررسی گرفته بودیم از آنجائیکه مسأله تأمین حقوق زنان در جوامع بشر بویژه در کشور افغانستان که زن یکی از پایه ها و ستون های اصلی نظام خانواده محسوب میشود بحث مانرا نیز از همان قسمت به بررسی میگیریم . مسأله حقوق زن و نقش وی در تاریخ که یکی از پیچیده ترین مسائل تاریخ به

شمار می آید امروز بخصوص از استقرار نظام شبه بازار آزاد در افغانستان به شکل یک معضله شدید روحی در بحران کنونی مطرح شده و به مشاهده میرسد. شتاب غارت ثروت‌های ملی تحت عنوان "بازار آزاد" هرچند برخی از مهمترین ارکان مافیای حاکم را به همه چیز و در همه جاها متصل ساخته است، برخی از توده‌های وسیعی از مردم بویژه محرومیت عمیق، گسترده سیاسی و فرهنگی زنان، به مثابه یکی از نتایج اجتناب‌ناپذیر این وضعیت به بار آورده است.

جالب و سخت غم‌انگیز است که بحران کنونی آن چنانکه در غرب آغاز شده و آنچنانکه قدرتهای نیرومند حاکم بر قرن بیست و یکم تشویق و ترغیب‌اش میکنند در سراسر جامعه بشری و در همه محدوده‌ها و حتی حصارهای بسته و متحجر مذهبی و سنتی شیوع پیدا کرده است و کمتر جوامع سنتی، فرهنگی و تاریخی عقب‌نگه داشته شده شرقی منجمله افغانستان که بحیث یک جامعه بسته مذهبی شناخته شده است در برابر این سیل مهاجم فرهنگ بورژوازی ایستادگی کنند. زیرا غالباً مقابله و مقاومت در مقابل چنین شبه مدرنیسم خاص و مهاجمی که بیش از یک دهه حیات جامعه و کشور ما بنام دموکراسی، اقتصاد بازار آزاد و سائر نهادهای حقوق بشر به شکل مافیائی و غارتگرانه با دلالتی یگ‌گروه نسبتاً اکثریتی از شبه روشنفکران و تحصیل‌کرده‌گان افغان تباری که از بدو حوادث تلخ و دردناک گذشته به آنسوی آنها رفته بودند سرنوشت انسان جامعه ما را در دست گرفته است امر محتملی به حساب می‌آید.

اینکه گفتم بعد از حوادث آسفناک یازدهم سپتمبر و سقوط رژیم القاعده بنام "امارت اسلامی افغانستان" توجه به مسأله زن بصورت حساسیت برانگیزی نسبت به همه دوره‌های تلخ و شرین گذشته در افغانستان مطرح شد بخاطر این است که با سقوط رژیم طالبان که هنوز مردم افغانستان سر از دامان سنگ‌تاجر و نگاه‌طالبانی به زندگی برداشته بودند که «هیپنوپیدیای ۱» آنسوی دریا روح مردم ما را تسخیر کرد و با چهره‌های نا مرئی مگر به یاری راه بلدان شبه روشنفکر بومی با سقوط رژیم طالبان بنام دموکراسی - بازار آزاد - حقوق بشر بویژه بنام حقوق تلف شده زن با گفتمان شبه لیبرال در جوامع عقب مانده تنها در حوزه تقسیم غنائیم مادی با «نقشه راه بازار آزاد!» و به اساس فورمول تاریخی «نصف لی و نصف لک!» سرنوشت جامعه را در دست گرفتند. در طول بیش از یک دهه سالی که از تولد این رژیم مافیائی در کشور ما میگذرد یکی از شعارهای آن که به عنوان بزرگترین و مقدس‌ترین دست‌آورد محسوب میکنند همانا شعار تأمین آزادی‌ها و حقوق زن در افغانستان همچنان آزادی مطبوعات است که همیشه در خطبه‌های انتخاباتی ارکان و پایه‌های اساسی این رژیم بصورت شگفت‌انگیز بیان میگردند. البته بیان اینگونه فضائیل و «کرامات استبداد دموکراتیک!»

ماسوا از شعار های کاملاً دیکته شده ای است که هفته ای یک یا دومرتبه از سوی مردان اول مملکت سر داده میشود و داد و بیداد های « من آنم که رستم بود پهلوان .» براه می افتند . در چنین شرائط و روزگاری که هنوز هم انسان باشنده ء این سرزمین با شعار های دروغین ، و پیشرفت مصنوعی در زمینه تحقق دموکراسی ، حقوق زن و عدالت اجتماعی دست و پنجه نرم میکند ، پیچاندن هرگونه نسخه ای و در هر نوع زوروقی به شمول بسته ای بنام « اجماع ملی!» و یا هم هر زهر و مار دیگری به معنای امضای سند مرگ یک ملت تاریخی و باستانی است که از هزاران سال بدینسو در حوزه تمدنی شرق حیات داشته است . البته نباید فراموش کرد که گروه اندکی از چپاؤلگران و غاصبان و صاحبان شرکت های تجاری در نظام مافیائی مطلقه غلیظ حاکم بر سرنوشت افغانستان که از یک دهه بدینسو در راه غارت سرمایه های مادی و معنوی مردم افغانستان در برابر اعمال قدرت زورگیران و ستم پیشه گان هیچ گونه حد و مرزی را نه میشناسند و به جزمنافع شخصی و تجاری که در متابعت به قوانین اقتصاد بازار آزاد مافیائی یا بازار "آزار" و مشروعیت از این معادله معیوب و ظالمانه ای که هر که « بیشتر غارت کرد بیشتر مستحق است » صاحب جاه و جلالی شده است نه می اندیشند و قتی خبری از گرسنه گی توده های فقیری را بشنوند ، به مؤعظه های از کاردینال های مذهبی و تکرار فضائل گرسنه گی به مثابه آزمون های الهی بر بنده گان مخلص اش متوصل میشوند که گویا فقر و گرسنه گی از بزرگترین آزمون های الهی است که بر بنده گان پاک اش روا داشته میشوند . !! و به قول این توجیه کننده گان مذهبی فقر باید به هر نوع سرنوشتی که در اذل از سوی خداوند (ج) نگاشته شده است رضایت داد و آنرا پذیرفت !

از سوی دیگر تعارض آمیز بودن هر نوع گفتمان بورژوازی مافیایی با حل عادلانه مسأله ملی و هرگونه پارادایم قومی و ناسیونالیستی منجمله پروژه ملت سازی حتی اگر همه روشنفکران و تحصیل کرده گان افغانستان و جهان در دفاع از نظام بورژوازی در صحنه حضور یابند نه میتوانند آن تعارض را بپوشانند و انکار کنند زیرا در اقتصاد بورژوازی اصل بر منفعت مادی استوار است توجه و هزینه کردن سرمایه و ثروت در راه ملت و ملت سازی با حل عادلانه و انسانی مسأله ملی بزرگترین مانع در راه پیشرفت اقتصادی محسوب میشود ، لهذا از جمله نکاتی که والا حضرت زلمی خلیل زاد در طراحی استراتژی بنام «اجماع ملی» به عنوان مانیفیست دست آورد های یازده ساله رژیم مافیائی مگر بصورت منطقی و قابل نقد ارائیه نموده است روی همین محور تکیه دارد .

لهذا باید حل بسیاری از پرسش های که در ذهن تحلیلگران اوضاع تاروتاریک کنونی کشور خطور میکنند از سخنان و فرمایشات نیرومند ترین نگهبانان مافیای حاکم بر افغانستان باید قضاوت کرد و

در یافت. چنانچه اخیراً و به مناسبت بزرگداشت از جشن نوروز در قسمتی از پیام ستر جنرال عطاء محمد نور والی مقتدر ولایت باستانی بلخ چنین میخوانیم :

« من برای مقابله با چالشها و حل مسایل مطروحة ملی در شرایط کنونی، خصوصاً به منظور مدیریت خوب بعد از سال ۲۰۱۴ و نجات کشور از بحران، رسیدن به یک اجماع ملی را پیشنهاد کرده ام. هدف من از اجماع ملی، متمایز از طرح ها و اجماع ملی دیگران ، تاجگذاری بر سر خود و یا فرد مورد نظر من نیست. بزرگان و نمایندگان واقعی ملت هر کس را که مطرح کنند ما از او حمایت میکنیم در اجماع ملی که من مدنظر دارم بزرگان همه اقوام و مناطق کشور، اعضای مجلسین شورای ملی، نهادهای جامعه مدنی، سران مجاهدین، احزاب سیاسی، متخصصین، فرهنگیان، سیاسیون، نمایندگان مهاجرین و افغانهای مقیم در خارج کشور، زنان، جوانان، همه طرفهای مطرح به شمول اپوزیسیون سیاسی و در صورت امکان مخالفین مسلح اشتراک و حضور خواهند داشت؛ لازم است جهت رسیدن به این اجماع ملی، دولت و حکومت جمهوری اسلامی افغانستان با تفاهم طرفهای مطرح، جامعه مدنی، احزاب سیاسی و اپوزیسیون سیاسی، جلسه یی را تدویر و زمینه ایجاد کمیسیون تدارک همایش بزرگ برای اجماع ملی را طوری مساعد سازند که هیچ یک از طرفها، اقوام، مناطق، سازمانها، گروهها و شخصیتهای اثر گذار ملی، خود را بیرون نبینند. «....

ادامه دارد

۱ : عملیه آموزش خواب مصنوعی